



**DO NOT REPOST
THIS ANYWHERE!**

ESPECIALLY ON **INSTAGRAM**

PLEASE FOLLOW OUR RELEASES ON
MANGADEX!

JOIN THE GANG

We are in desperate need of

◆ **KOREAN TRANSLATORS** ◆

These other positions are also welcomed!

TYPESETTERS & REDDRAWERS

Please help us!

OUR CROPS ARE DYING.
OUR BRAIN CELLS ARE
DETERIORATING!
S.O.S! 911!

JOIN US ON DISCORD
TO APPLY & TO CHECK OUT
OUR OTHER PROJECTS!



<https://discord.gg/sebuccigang>

ملکه ماریان،
مارکوس آمسل و اشراف
زاده هایی که از شون
پیروی کردن.



تک تک شون!
همپکه و مشون رو
نمی بشم!



الان واقعا دیگه
طولی نمیکشه.

ساییدت

لطفاً یکم
صبر کنید.



...به زودی
برمیگردم.



فقط یکم دیگه
صبر کنید.



مترجم: **Hadis**

ادیتور: **Mira**

kidoriSTUDIO

(4) 74741580-19

외과의사
엘리제

کاری از

تیم: **Miranka**



آه...

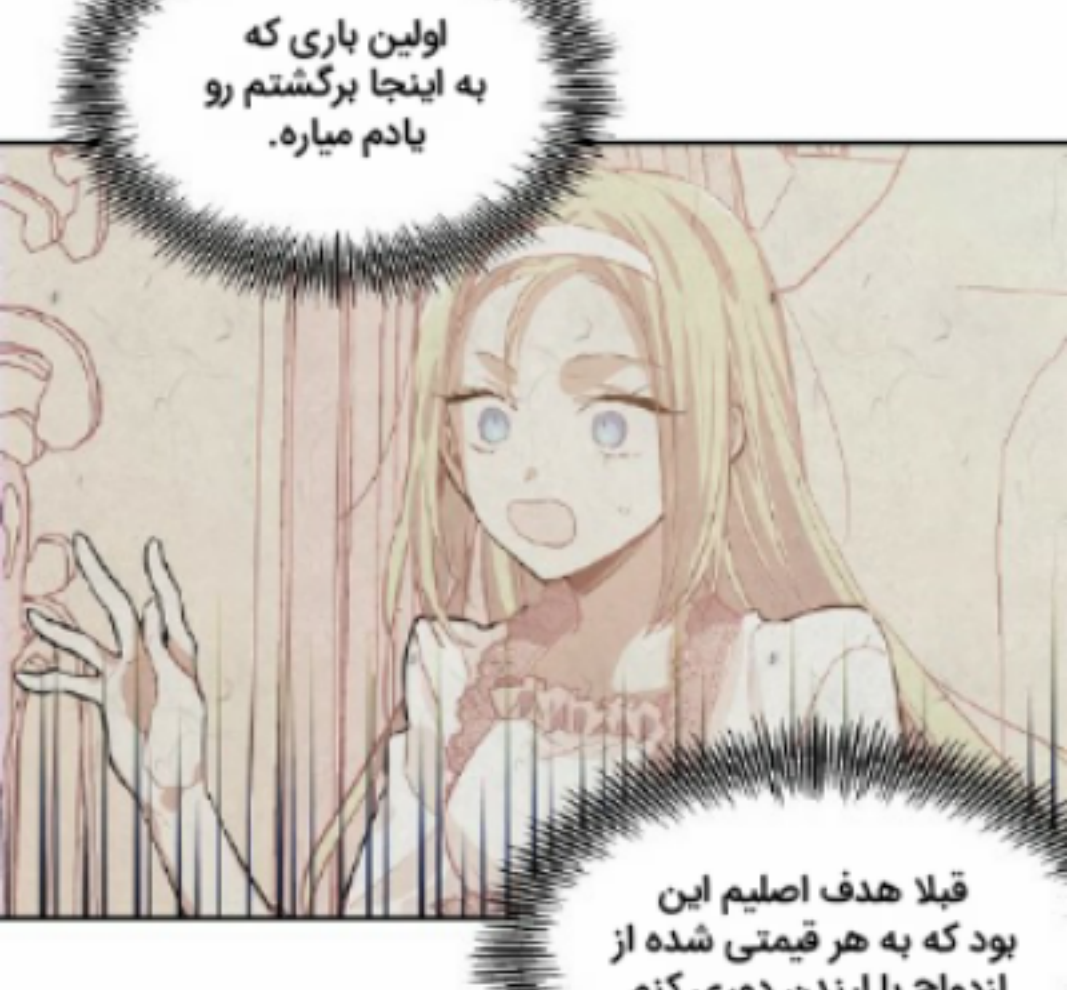


همه چی
به حالت عادی
برگشته.



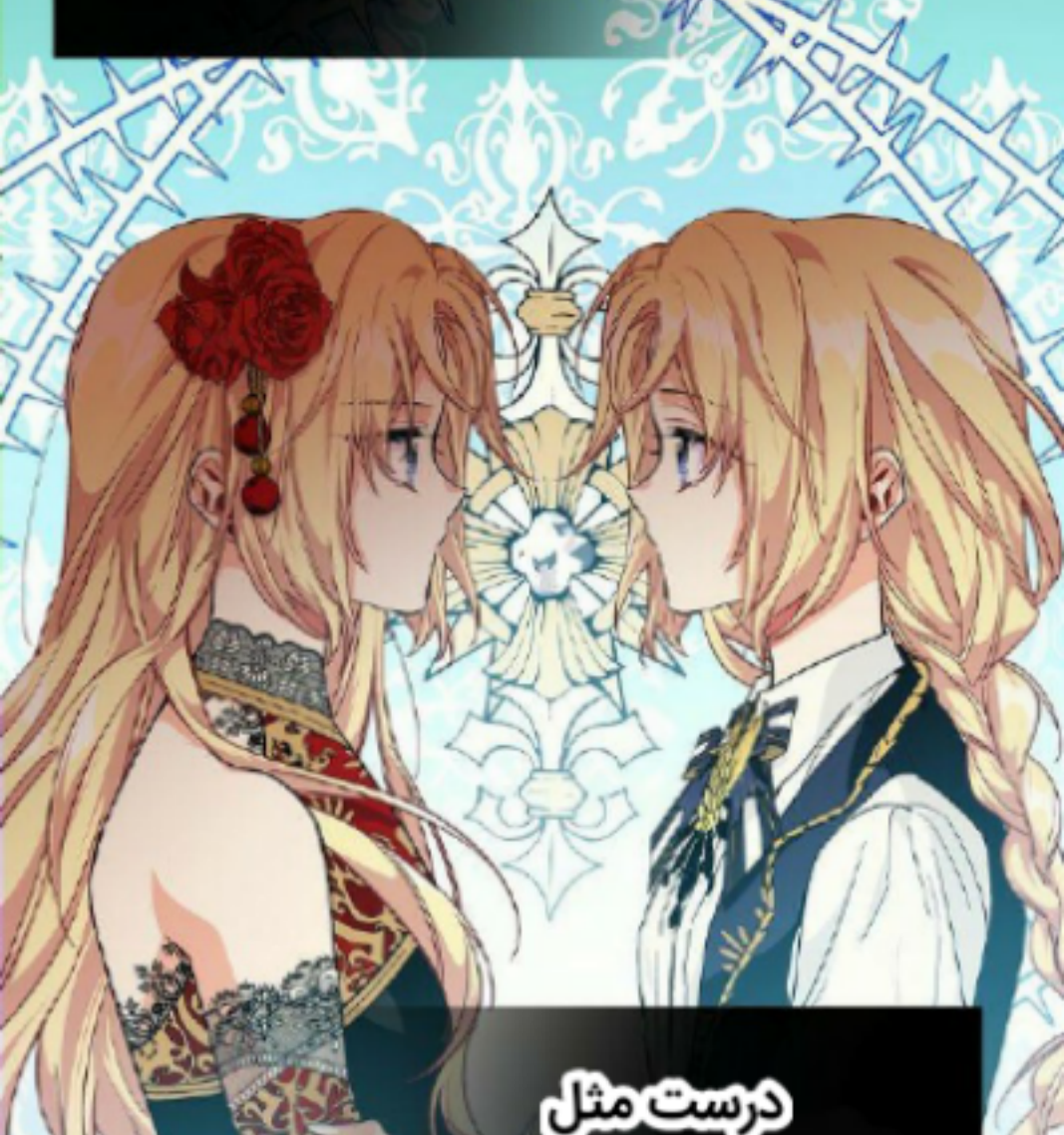
حتی با اینکه
اخیرا نسبتا اتفاقات
خوبی افتاد، هنوز حس
میکنم یه رویا بوده.

اولین باری که
به اینجا برگشتم رو
یادم میاره.



قبلا هدف اصلیم این
بود که به هر قیمتی شده از
ازدواج با لیندن دوری کنم.

در آخر، هنوزم فقط
به لیندن نگاه میکردم.



درست مثل
زندگی اولم.

اما اینبار
متفاوته.



لیندن هم مثل
من...



الان خیلی
خوشحالم ولی...

آه...

اون نبرد
بزرگ داره به سرعت
نزدیک میشه.



تراژدی ای که در
لوندو شروع میشه. درگیری
بین نجیب زاده‌ها و اشراف
برای به دست آوردن
تخت پادشاهی.

در گذشته،
لیندن انتقام گرفت
و نجیب زاده
ها رو مجازات کرد.

میل، یولیان اونی*
و حزب مارکوس امسل
همگی مُردن.

اونی: خواهر بزرگتر، دختر ها در
بان کره ای دختری بزرگتر از خودشون
رو اینطوری صدا میزنن.

در آخر بعد اتفاق
افتادن اون تراژدی، قلب
لیندن هم شکست.

میدونم...

لیندن به اندازه کافی
سنگدل نیست که از
عهده انتقامش بر بیاد.

به جای اینکه انتقام باعث
راحت شدنش بشه، براش
تبدیل به یه عذاب دیگه شد.

بخاطر احساس گناه کشتن
برادر کوچکترش و اونهمه خون
ریختنیه حد جنون رسید.

میخوام منصرفش
کنم... ولی چطوری؟

تنها مقصر اتفاقی
که تو برج خون افتاد
ملکه ماریان و نجیب
زاده ها بودن.

برای لیندن گرفتن
انتقام مرگ مادرش
اشتباه نبود.

حتی اگه قرار بود اونا رو
ببخشه، انتخابش فقط
دست خود لیندن بود.

این چیزی نیست که بقیه
بتونن توش دخالت کنن.

ولی...

من میخوام
حداقل تلاشم رو برای
توقفش بکنم.

خدایا، لطفا تو
راه پیشگیری از این اتفاق
کمکم کن.

همچین چیزی رو
نمیتونیم رها کنیم!

فخریه

تو این موقعیت،
ولیعهد به تاج و
تخت میشینه!

سکوت - ...



وقتی به طور رسمی
نامزدیشون رو اعلام کنن،
سطح مقبولیتش به سرعت
افزایش پیدا میکنه.

اگه اینطور
به تخت بشینه کار
هممون تمومه.



ولی مارکوس
امسل طرف ماست،
پس...



حتی اگه اون
امپراتور بشه، هنوزم برای
ولیعهد غیرممکن نیست
که به خاندان چیلد
صدمه بزنه؟



درهم کشیدن

اشتباه نمیکه.

خاندان چیلد یک
کنگومرای* تجاری بین المللی ه،
برای همین تأثیرات مالی حتی
امپراتوری بریتیا هم جرات
تحریک اونا رو نداره.

مارکوس امسل
رو حتی میشه امپراتور
ثروت دنیا خوند.

خاندان چیلد به
اندازه ای قوی هست که
امپراتور فعلی منچستر
نتونست انتقام همسر
فقیدش رو بگیره.

*شرکت خوشه ای

ولی بازم...

گاز

اون این
موضوع رو در نظر
نمیگیره؟

اون لیندن؟

اون کسیه که
تا الان تنها به خاطر
انتقام زندگی کرده.

پس،

اون احتمالاً درحال
برنامه ریزی برای نفوذ به اون
سد مالی و رسیدن به
حساب خرخره ماست.

اگه همگی مثل
موش یه گوشه گیر
بیفتیم...

ممکنه از نیروی
نظامی به عنوان آخرین
چاره کمک بخوایم...



داره چه
اتفاقی میفته؟!

یه کالسکه از
ناکجا آباد ظاهر
شد، پس...



کی اونقدر
بی کله ست
که...



تو ارل
مرکیت نیستی؟



کالسکه چی ست
نیاز به یه آموزش
مناسب داره.

این ممکن بود
باعث یه تصادف
جدی بشه.

حزب امپراطور
رتبه دوم
شخصیت کلیدی
دُریسون

بزرگوار!

لعنتی. همین
الان باید به رقیب
ظاهر بشه!

چی؟! شماها کسای
هستین که به کالسکه
در حال حرکت من برخورد
کردین پس چطور جرئت
میکنین اینو بگین؟

ها. الان گفتم ما به
کالسکه ت برخورد کردیم؟
جالبه. من داشتم از پنجره به
بیرون نگاه میکردم و معتقدم
قضیه به جور دیگه ست.

تویی که اونجایی،
ارل مرکیت حقیقت
رو میگه؟

نه قربان،
من راه درست رو
داشتم میرفتم.

کالسکه چی جناب
ارل احتمالاً داشته
چرت میزده.

این حقیقت
نداره! من داشتم راه
درست رو میرفتم.

اونا به ما
برخورد کردن!

اون رذل پست
داره دروغ میگه!

فورا راستش
رو بگو!

کی بهت یاد داده
اینطور دروغ بگی؟

حرفتموم
شد ارل؟

نه هنوز
تموم نشده.

من از طرف کسی
که باعث این تصادف
شده یه عذرخواهی
میخوام.

عذر~
خواهی~!؟

نمیتونی؟ ارل
مرکیت، تو به عنوان یه مرد
بلند پایه حتما شخصیت
ضعیفی برای پذیرفتن
اشتباهات داری

تو الان گفتی من
شخصیت ضعیفی
دارم؟ لپرا، تونه، پوپه
خرومزاده!

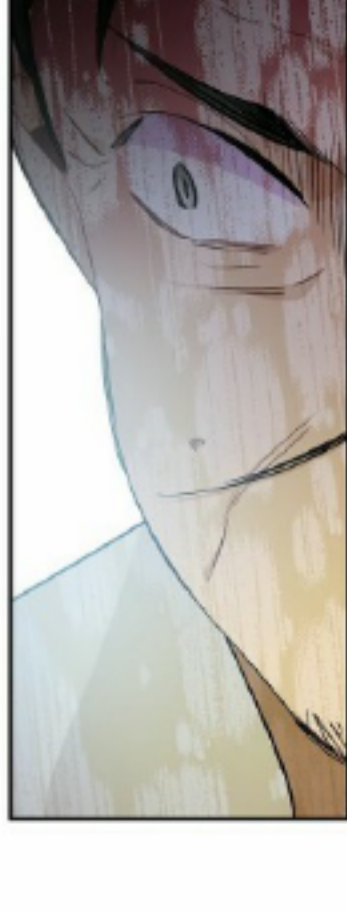
پوپه؟ ازود
بناظر لیزر که
گفتی عذر
خواهی کن!

شلوغش نکن! تو باید
به زمین بیفتی و
بناظر اینکه تو همین به
اسم مرکیت تقاضای
بخشش کنی!

با توجه به
کاری که تو با
ملکه ربکا کردی،

فکر نمیکنم
اصلا در موردت
اشتباه کرده باشم.

سکوت





آه...

م-من مظلوم
این بود که...



خوشحالم
که اینو گفتم
دُریسون.

من مردی با
شخصیت ضعیفم؟
بذار ببینیم تو چقدر
فوق العاده ای.



من، ارل مارکیت، عنوان
اشرافیم رو وسط میذارم و
ارل دُریسون رو با یه دوئل
به چالش میکشم.

همین الان.



طبق رسوم انجامش
میدیم. دوئل وقتی شروع
میشه که هر دو ما بیست
قدم برداریم.

به عنوان
شاهد...

من از ویكنت
رانسل میخوام بهمون
لطف کنه.

...!!

چیه؟ ترسیدی؟
اگه ترسیدی فقط باید
عذرخواهی کنی.

در صورتی قبولش
میکنم که مثل سگ به
زانو افتاده باشی.

... از این
تصمیمت پشیمون
میشی.

ادامه دارد...

لايك وگامنت پلاٹون نره كيوتو ٨٨



بالايك هاتون بهمون انرزي پير >_<